

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز

۰۲ اگست ۲۰۱۷

## بیانید: سید؟ خلیل الله هاشمیان را خوبتر بشناسیم!

### ته چی نه شرمیری تا به خوک و شرموی.

به تاریخ ۲۶ ماه جولای ۲۰۱۷ آقای خلیل الله هاشمیان در سایت سباوون (دعوت) و سایت آریانا، باز به مثل سابق که عادت بمرگی و همیشگی وی است درفشانی نموده. این بار نه تنها اینجانب را در باران نمود بلکه وی به یک شخصیت محترم و عزیز جامعه افغانی دیپلومات مجرب و ورزیده کشور ما که تمام عمر خود را در راه خدمت به وطن و مردم سپری کرده نیز گل افشانی؟ نموده است. این شخص علیل و مریض روانی خلیل الله هاشمیان در غگو، هذیان گو، از ما مردم دست بردار نمی شود. این جفنگ سرا، که در هذیان و دروغ گفتن شهرت ملی دارد وی نه تنها نوشته های بنده و جناب آقای جمیلی صاحب را تحریف نموده بلکه وی همیشه نوشته های هموطنان را تحریف می نماید، وی در نوشته نو خود به چی دیده درائی می نویسد که من هرگز از زبان هیچ کس بالای مرحوم محمد داوودخان تهمت جاسوسی به کشور روسیه ننمودم وی در نوشته خود که لینک آن، ضمیمه این نوشته است به من و جناب جمیلی صاحب با چی بی حیائی می نویسد که "تف به دروغگویان" که منظورش من و محترم آقای جمیلی صاحب هستیم. من در جواب این تعویذ نویس و دزد گردنبد خاتم مرحوم مارشال شاه ولی خان می نویسم که هزار بار تف و لعنت به تو دبل ایجننت جاسوس روس و امریکا، هم وطنان گرامی در زبان پشتو یک ضرب المثل است که می گوید، «خوی خوی خو عادت نه خوی».

یک شاعر می گوید:

### چهل سال عمر عزیزت گذشت مزاج تو از حال طفلی نگشت

این را خوب می دانم تا روز مرگ این شخص هذیان گو و عقده یی از ما و سردار محمد داوودخان دست بردار نمی شود. آن هم به خاطری که درد خلیل الله هاشمیان درد ملی نیست بلکه درد وی درد شکم، درد چوکی و درد مقام و وظیفه است. وی در لندن در زمان سفارت سفیر کبیر مرحوم مارشال شاه ولیخان به خاطر دزدی گردنبد خانم مارشال شاه ولیخان از وظیفه دیپلماتیک توسط مارشال شاه ولیخان سفیر آنوقت افغانستان و جناب سردار محمد نعیم خان که در آنوقت در وزارت خارجه به حیث کارمند عالی آن وزارت کار می کرد منفک گردید، هاشمیان این شخص علیل و

مریض روحی و جسمی به خاطر اعمال غیر انسانی که از وی سر زده بود، آن عقده برطرفی وظیفه ئی خود را امروز از مرحوم سردار محمد داوودخان، نعیم خان، شاه ولیخان، جمیلی صاحب و اینجانب قاسم باز می کشد، اگر من و یا جناب عالیقدر آقای عبدالجلیل جمیلی به وی گفته باشیم که آقای خلیل الله هاشمیان برو گردنبد خانم مارشال شاه ولیخان را دزدی کن، برو همراه یک زن انگلیس یهودی مذهب عروسی کن چنانچه وی این کار را کرده، شما را کسی از وزارت خارجه منفک کرده نمی تواند در آنصورت من و جناب عبدالجلیل جمیلی صاحب صد در صد ملامت و مسؤول می باشیم، ولی در غیر آن هر چی که هاشمیان در وقت وظیفه دولتی خود از دست وی سر زده کار خود وی است . به این معنی ، ( که خود کرده را نی درد است نی درمان . ) هاشمیان وقتی که گردن بند الماس خانم مرحوم شاه ولی خان را دزدید، بعد از دزدیدن آن گردنبد وی در یک فرصت کوتاه به یک خانم انگلیسی یهودی مذهب عروسی کرد، طبعاً در آنوقت در شهر قیمتی لندن عروسی کردن آنهم با یک خانم انگلیس پول می خواهد، هاشمیان بیچاره به معاش ناچیز نمی توانست مصارف عروسی را در شهر لندن پوره کند وی مجبور بود که از یک راه جیمزباندی دیگر، خرج آن عروسی را بپردازد. چنانچه وی در نقشه دزدی گردنبد خانم مرحوم شاه ولی خان از جیمزباند کرده نقش خود را خوبتر و موافقانه تربازی کرد.

### په جهان کی ننگیالی دی دا دوه کاره ++++++ یا به و خوری ککری یا به کامران شی

خوانندگان گرامی! هاشمیان از آن وصلت با آن خانم سیتیزن انگلیس یهودی نژاد یک پسر به نام احمد دارد، من برای احمد جان دعا می کنم که خداوند وی را به راهی که پدر مریضش رفته، نبرد. امین یا رب العالمین. دوستان گرامی ، مایان هریک مرحوم شهید داوودخان، سردار محمد نعیم خان ، جناب آقای عبدالجلیل جمیلی و شخص نویسنده این مقاله قاسم باز در آن کارهای هاشمیان که از نزد وی سر زده دست نداشتیم و نداریم . هر گلی را که به آب داده خودش داده. به هر صورت.

خوانندگان گرامی، لطفاً به نوشته نو خلیل الله هاشمیان که به تاریخ ۲۰۱۷/۲۷/۷ در سایت دعوت و آریانا به نشر رسیده توجه شما عزیزان را به خواندن آن نوشته بی محتوا جلب می دارم. همچنان به خاطر وضاحت موضوع چیزی که من در درجه نظر سنجی "افغان جرمن انلاین" به تاریخ ۷/۲۴/۲۰۱۷ نوشته بودم ، آن نوشته من به خاطر دو بزرگوار ما هریک جناب قاسم قاسمی و آقای استاد گرانقدر جناب سیستانی صاحب آنهم به خاطر لطف آنها که از من توصیف نموده بود نوشته بودم، آن نوشته من هم به جواب نوشته آقای داوود سلام ملکیار که وی به تاریخ ۷/۱۷/۲۰۱۷ در سایت "افغان جرمن انلاین" تحت عنوان ( کودتا ۲۶ سرطان سر اغاز مصایب چار دهه... ) نوشته شده بود، بود. همچنان تبصره محترم آقای جمیلی صاحب هم به خاطر تبصره من بود. چون اصلاً آن نقل قول جناب داوود سلام ملکیار از نقل قول هاشمیان که دو سال پیش وی در سایت افغان - جرمن و چند سال قبل وی در مجله "آئینه هاشمیان" از قول شرر به شرارت هاشمیان ذکر گردیده بود ، بود .

راست گفته اند که دزد سر خود پر دارد. جناب آقای هاشمیان مکار، شما در این چند سال به جناب آقای ولی احمد نوری مسؤول سایت آریانا خیلی ها چی چیزی نبود که نثار وی و ظاهرشاه و نادرشاه نکردید، ولی امروز با چی بی حیائی و دیده درائی از وی و جناب اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تمجید می نمائید. شما به کدام چشم و حیا ، که شکر از این دو نعمت برخوردار نیستید از جناب آقای ولی احمد نوری، جناب معروفی صاحب، جناب نگارگر صاحب و از یکعده کثیر از افغانها که شما خود به قلم خودتان از بی باکی تان اعتراف نموده اید عفو می خواهید، عفو کردن یا نکردن حق هر فرد است ولی شخص خودم به هیچ صورت شما را عفو کرده نمی توانم، آنهم به خاطری که پدر

مهربان من به خاندان شما یعنی پدر و کاکای شما و همچنان برادرها و برادرزاده هایم به پسران کاکای شما قومندان سیدامیر جان به نامهای سید عبدالرزاق پاچا و سید عبدالوهاب پاچا نموده بخشیدنی نیستم.

خوانندگان گرامی سایت افغان – جرمن انلاین، به این نوشته خلیل الله هاشمیان که به تاریخ ۲۰۱۷/۲۷/۷ در سایت آریانا سلطنت طلبان نشر گردیده توجه شما را معطوف می دارم. هاشمیان در اخیر مقاله اش که در مدح پادشاه محترم اسبق نوشته چنین می نگارد. « **سید خلیل الله هاشمیان - ۲۷ جولای ۲۰۱۷ یادداشت - صحت من درین روزها چندان خوب نیست، اگر رفتنی شدم از همه بخشش می خواهم - خصوصاً از محترمان ولی احمد نوری، استاد نگارگر محترم - انجنیر صاحب خلیل الله معروفی - سید هاشم سدید و چند هموطن دیگر - به خاطر افغانستان و مسایل سیاسی و فرهنگی آن، با یکعده دانشمندان برخورد ها صورت گرفته، از کلان کاری های سابق معذرت می خواهم - من در امریکا همه عمر و دارایی خود را در افغانستان صرف کرده ام و اکنون در پناه کمک پسران ایمیلیار به سر می برم.**»

لطفاً به این نوشته خلیل الله هاشمیان که در سایت سباوون، دعوت و آریانا به ضد من و آقای جمیلی صاحب بزرگ بدون موجب نوشته شده توجه شما سروران را جلب می دارم.

## Dawat

## Media

بنده چند ماه قبل به تاریخ ۲۰۱۷/۱۱/۲ از آقای خلیل الله هاشمیان مدیر مسؤول مجله "آئینه هاشمیان" چند سوال را مطرح نموده بودم که باید وی به آن سوالات من جواب قانع کننده می داد که نداد، نمی دانم وی قدرت جواب دادن سوالهای من را ندارد و یا خود را در کوچه حسن چپ می زند. خوب خبر دارم، چون آقای هاشمیان از طفلی تا این دم در فساد، جفنگ گفتن در بین افغانها شهرت بسزا دارد. لازم نمی دانم تا اسمای افرادی که از تمام اعمال غیر انسانی وی خبر دارد ذکر کنم، این را هم باید علاوه نمود، در صورت ضرورت به افشای اسمای شاهدان عینی پرداخته می توانم. هاشمیان پیش از سالهای ۱۳۵۸ یک فرد بسیار عادی گم نام بود، ولی وقتی که وی به امریکا آمد در اینجا به خاطر پیدا نمودن پول مثل آقای "قوی کوشان" مدیر اخبار "امید"، شروع به نوشتن یک بولتین نمود. آهسته آهسته آن بولتین توسط پولها و کمکهای مادی و معنوی افغانها به مجله یا ماهنامه تبدیل شد، در آن وقت یک عده از دانشمندان به خاطر جهاد و آزادی افغانستان به نوشتن مضامین عالی به مجله هاشمیان همکاری نمودند، اگر خوانندگان توجه کرده باشند در آئینه هاشمیان به غیر از نوشته های چند بزرگوار و دانشمند ما که آنها این کار را به خاطر وطن عزیز و مردم درد دیده خود می نمود، آن مضامین را یکطرف بگذاریم، به وضاحت دیده خواهد شد که مجله آئینه هاشمیان بیش از یک دشنام نامه چیزی دیگری نیست، در این وقت است که هاشمیان در بین جامعه افغانی مثل آقای قوی کوشان صاحب نام و نشان کاذب می شود. اصلاً اگر به سوابق این شخص هذیان گو و درغو نظر اندازی کنیم این شخص مکار به جرم مشهود سرقت گردنبد خانم مرحوم مارشال شاه ولی خان در لندن متهم است و به همین خاطر بود که مرحوم مارشال شاه ولی خان سفیر کبیر آنوقت افغانستان در لندن وی را از وظیفه رسمی دیپلماتیک دولتی منفک نمود. چنانچه خود هاشمیان در نوشته خود مکتوب رسمی انفکاک خود را که مزین به امضای مرحوم مارشال شاه ولی خان سفیر کبیر افغانستان در لندن بوده، آن مکتوب را جنساً و نقلاً در اختیار سایت افغان جرمن انلاین گذاشت. هاشمیان در مقابل یک سوال من، که من ارتباطات وی را به شخص "ببرک کارمل" و اعضای کمیته مرکزی حزب پرچم افشاء نمودم، خوشبختانه آقای سید خلیل الله هاشمیان بلبل وار از ارتباطات خود با ببرک کارمل، سلیمان لایق، بارک شفعی، نوراحمد نور و غیره افراد حزب پرچم و از اشتراک خود در مراسم تدفین جنازه و فاتحه مرحوم میراکبر

خیبر و از محافل شب نشینی ها و قدم زدن با اعضای کمیته مرکزی حزب پرچم در مکر وینهای کابل، بلبل وار اقرار نمود، چون شخصیت وی از طریق تعویذ نویسی که مسلک آباء و اجداد وی است رشد نموده و باید اینگونه شخصیت باشد. اصلاً مجله آئینه هاشمیان از پول بابای ملت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، شاه اسبق افغانستان از روم پرداخته می شد، هاشمیان به نام حق الاشتراک مجله خود از افغانها نیز پول دریافت می کرد که باید نمی گرفت به خاطری که پول چاپ آن مجله از دفتر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تأدیه می گردید، هاشمیان در مقابل آن پول "خدای پجات" عکسهای اعلیحضرت محمد ظاهرشاه را در پیش رو و عقب مجله خود به چاپ می رسانید، وی در آن وقت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه را به نام بابا ملت خطاب می نمود، به مجرد که چشمه ان پول مفت بالای هاشمیان خشکید، یکبار هاشمیان به آواز بلند و رسا در سایت وزین افغان - جرمن آنلاین اعلان نمود که من، من بعد ظاهرشاهی نیستم، و بدتر از این همه وی به ضد اعلیحضرت شروع به تبلیغات زهراگین نمود، به نظرم از دوست بودن هاشمیان، شخصی که تمام عمر خود را در هذیان، جفنگ و دروغ گفتن ضایع ساخته، به جای این که دوست آدم باشد بهتر است که در صف دشمن باشد، چرا که به دشمن بودن اینگونه افراد در غگو، هذیان گو، بی مسؤولیت، وزن اشخاص سنگین تر و محبوب تر می گردد.

هاشمیان یک شخص پول پرست، در غگو و هذیان گو است به همین خاطر اکثر مردمی که وی را از نزدیک می شناسند از وی دوری می جویند، این شخص مکار، دوستی و پاس دوستی را به خصوص در مقابل پول نمی شناسد. سید خلیل الله هاشمیان نه به میلگرایان افغانستان صادق ماند، نه به ببرک کارمل و حزب پرچم، نه به ظاهرشاه، و نه به ملا عمر که چشمان وی را می بوسید.

هاشمیان همیشه در نوشته های بی مفهوم و سراپا دشنام خود، بزرگان ملی را به خاطر عقده های شخصی و بی باکانه خود مورد تحقیر و توهین قرار می دهد. مثلاً: هاشمیان می گوید که ظاهرشاه و محمد داوودخان افراد کم سویه و کم تحصیل بودند، من در نوشته قبلی خود از وی سؤال نمودم و برای وی خاطر نشان ساختم که آقای هاشمیان شما برایم گفته می توانید بگوئید که حاجی میرویس خان، احمدشاه بابا، شیرشاه سوری، ایوب خان، وزیر فتح خان، امیر دوست محمدخان، امیر شیرعلیخان، امیر عبدالرحمان خان، امیر حبیب الله خان، غازی امان الله خان، حبیب الله کلکانی معروف به بچه سقاو، نورمحمد تره کی، ملا عمر که خلیل الله هاشمیان دست و چشمانش را می بوسید، محمد هاشم میوندوال، و پدر تان محمد سرور ولسوال و کاکای تان سید امیر جان که در زمان محمد نادرخان غازی و سردار محمد هاشم خان صدراعظم بالترتیب ولسوال و قومندان امنیه بودند چی تحصیلات عالی داشتند؟ و تا صنف چند مکتب خوانده بودند. به هر صورت من در نوشته های قبلی خود از هاشمیان سؤال هائی داشتم و از وی خواش نمودم تا لطفاً به سؤالات من جوابهای معقول ارایه فرماید که تا حال ارایه ننموده است

خوانندگان گرامی! پدر و کاکای هاشمیان در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه و صدارت محمد هاشم خان و وزارت دفاع شاه محمود خان به حیث اغتشاشگران و کسانی که امنیت کشور را به مخاطره انداخته بودند زندانی شدند، هاشمیان در دوران صدارت شاه محمود خان صدراعظم که کدام تحصیلات عالی هم نداشت در وزارت خارجه به اساس لطف و مهربانی سردار شاه محمود خان صدراعظم در مربوطات وزارت خارجه مقرر گردید، - آیا هاشمیان برای ما گفته می تواند که وی به کدام لیاقت، دانش و درجه تحصیل، به حیث مأمور و دپلمات در مربوطات وزارت خارجه مقرر شد، در آنوقت سویه تحصیلی وی چی بود؟

دوم - آیا هاشمیان گفته می تواند که سطح و درجه تحصیلی پدر مرحوم شان چی بود، که در زمان سلطنت غازی امان الله خان به حیث ولسوال تقرر یافته بود، وی به غیر "ضرب ضرب" کدام سند عالی تحصیلی داشت؟! نخیر. تاجائی که

من و عده زیادی خبر داریم، اجداد هاشمیان افراد ارتباطی انگلیسها در افغانستان بودند و از این راه امرار حیات می کردند. این هذیان گو از اصل سوالات من طفره می رود و به موضوعاتی تماس می گیرد که در آن موضوعات از طرف یک عده دانشمندان محترم مکرراً جوابهای مقتع و قانع کننده با اسناد و شواهد عینی داده شده فکر می کنم که این هذیان گو تا به این حال نوشته های مرحوم استاد عبدالرحمان پژواک را در مورد محمد داوودخان و قضیه پشتونستان و نقش داوودخان نخواند و یا اگر خوانده، مغز میکروب زده اش توان گرفتن مطالب آن نوشته ها را ندارد. جالب تر این که در این روزها این شخص هذیان گو و مکار تخصص کاذب خود به حیث پرفیسور در زبان، از زبان شناسی به ژورنالیزم تبدیل نموده که این به ذات خود ناتوانی وی را به اثبات می رساند. مرحوم محمد هاشم خان صدراعظم به فامیل وی زیاد کمک و احسان نمود ولی راست گفتند که **گرگ زاده عاقبت گرگ شود گر چه با آدمی بزرگ شود.** هاشمیان یک شخص علیل و مریض روانی است. کسی که در طول چهل سال یک فرد مطرح کشور در امور مسایل سیاسی و ملی افغانستان را نشناسد و در این طول چهل سال به ضد آن شخص تبلیغ سوء نماید چطور می شود که در یکی دو روز وی را بشناسد. مطلبم شناخت وی از داکتر محمد حسن شرق می باشد، هاشمیان دو روبه دروغو و تغذیه شده تعویذ نویسی چطور توانست یک شب در میان داکتر محمد حسن شرق را که وی همیشه در نوشته های خود وی را جاسوس، نماینده کی جی بی و یار غار خطاب می نمود، بشناسد، **فاعتبروا یا اولی الابصار**

این دلیل مزخرف و بی جای و بی حیائت وی که می گوید، **من پیش داکتر محمد حسن شرق را نمی شناختم حالا که شناختم وی ادم خوب است.** شرم به آن شخصی که، کس را نشناسد و به ضد شان تبلیغات سوء نماید. شرم، شرم، و باز هم شرم، به هاشمیان دروغگو، هذیان گو و بی مسؤولیت. نمی دانم هاشمیان به کدام روی و چشم همراه داکتر محمد حسن شرق چشم به چشم می شود، پس واضح است که این هذیان گو و دروغگوی بی نظیر حیاء را نمی شناسد. و حیای حضور ندارد. ای کاش حیاء در بازار فروخته می شد تا من برای خلیل الله هاشمیان این غلام بچه انگلیس و این شخص بی پرنسیپ که چشمان ملا عمر را می بوسید یکی دو سیر می خریدم. چون وی از طفلی تا این دم در فساد، دزدی و جفنگ گفتن شهرت ملی دارد. وی کدام شخصیت نیست که قابل احترام باشد این بیچاره که از برکت تعویذ نویسی تغذیه و بزرگ شده باید اینگونه شخصیت باشد.

**(فامیل سید خلیل الله هاشمیان همراه انگلیس ها از سابق ارتباطات تنگاتنگ داشت. [در سال ۱۸۸۶ میلادی وقتی که امیر عبدالرحمن خان در افغانستان حکومتهای محلی را از بین می برد. در آن وقت شخصی به نام سید محمود پاچا که وظیفه تعویذ نویسی داشت وی از طرف امیر محمد یعقوب خان شاه و نوکر آنزمان انگلیس به اساس سفارش انگلیسها به حیث جارچی باشی به خاطر جمع کردن مالیه از مردم کتر توسط اداره سلطنت آنزمان توظیف شد این شخص پول پرست زمانی که مالیه را از مردم جمع آوری می کرد یک فیصد آن را به حکومت آن وقت تسلیم می کرد و متباقی آن را در جیب خود می انداخت، به همین خاطر بود که وی در یک زمان کوتاه صاحب پول و شهرت شد، زمانی که وی آنوقت کمی شهرت در بین مردم کتر پیدا کرد یکدم وی در فکر پادشاهی شد و به مثل بقیه وی هم پاهای خود را به خاطر نعل کردن بالا کرد، این شخص در بین مردم کتر از برکت کف و چف، ظلم و ریاکاری که در ضمیر شان بود خود را مالک عام و تام کتر ساخته و تمام مالیات آن ولایت را به خود اختصاص داده و از آن پول مالیات مردم بیچاره کتر صاحب آرگاه و بارگاه ساخت. وی از مردم به نام عشر و ذکات مالیه گاو، گوسفند، روغن، برنج و گندم را جمع آوری می نمود. این فامیل به کمک انگلیسها بالای اهالی کتر حکم روائی می نمود، زمانی که امیر عبدالرحمان خان پادشاه افغانستان گردید وی تصمیم گرفت تا به این ملوک الطوائفی ها نقطه انجام و خاتمه دهد، امیر آهنین عبدالرحمان خان به طرف ولایت کتر به قومندانی آقای چرخ لشر کشی نمود، چون این تعویذ نویسان می دانستند که در مقابل**

لشکر امیر آهنین عبدالرحمن خان به سرکردگی آقای چرخى تاب مقاومت آورده نمى توانند، این سیدان تعویذ نویس فرار را بر قرار ترجیح داده آنها از کتر به جاهائی که بادران انگلیس شان در آنجا (یعنی آنطرف خط نام نهاد دیورند) بادرى مى کردند، به بادران شان پناه بردند، انگلیس ها به این فامیل ماهوار پول مى داد تا آنها را در سرحدات افغانستان نگاه دارد.]]

صفحه ۳۳ / د کونړ ولایت سیاسى او قومى جوړښت/ لیکوال شاه محمود میاخیل، / سال ۱۳۹۵ ماه اسد.) انگلیسها بعد از متواری شدن این فامیل از کتر به قلمرو انگلیس ها، با چه نیرنگها توانستند تا امیر عبدالرحمن خان را قانع، و زمینه عودت دوباره این فامیل نوکرمش و غلام بچگان انگلیس را به کتر آماده سازند. چنانچه انگلیسها در این کار موفق شدند. زمانی که پدر هاشمیان در دوران غازی امان الله خان در ولایت پکتیکا ولسوال بود وی به طور مخفی همراه افراد یاغی و باغی، و اغتشاشگران، طرفدارن ملا لنگ و حبیب الله کلکانی ارتباطات تنگاتنگ داشت، که از این موضوع تمام موی سفیدان ان ولایت قصه ها و نقل ها دارد. زمانی که محمد نادرشاه به قدرت می رسد، وی به پاس خدمات وی به ضد غازی امان الله خان پدر و کاکای هاشمیان را موقف های بلند تر دولتی اعطا نمودند. در دوران سلطنت نادرخان و صدارت هاشم خان یک کاکای، خلیل الله هاشمیان که هیچ تحصیل عسکری و نظامی نداشت به حیث قومندان امنیه ولایت مقرر و توظیف شد و پدر هاشمیان از رتبه ولسوال به لوی ولسوال ارتقاء یافت. این فامیل انگلیس مشرب و غلام بچگان انگلیس در طول حیات خود، از هر جام که نوشیدند دوباره در آن جام تف کردند. ظاهرشاه و هاشم خان صدراعظم به علت دست داشتن پدر و کاکای هاشمیان در اغتشاش خانان شینواری از قبیل علم خان و افضل خان آنها را زندانی ساختند، نه به خاطر دوستی و علاقه آنها به غازی امان الله خان. هاشمیان در طول سی و پنج سال متواتر از آنهایی که به ضد غازی امان الله خان شوریده بودند پشتیبانی تحریری و تقریری چی در مجله آئینه هاشمیان و چی در مجالس خصوصی و عام بین الافغانی و چی در پورتال افغان – جرمن انلاین، دفاع نموده و مینماید، وی به این نیرنگها می خواهد فجایع خود و فامیل خود را پنهان سازد. ولی این خواب است، خیال است جنون است و محال.

### به هر رنگی که خواهی جامه میپوش من از طرز خرامت می شناسم

یک شاعر پشتو زبان چه مقبول فرموده.

د ملا په مسله کښی، د صوفی په فلسفه کښی

عقل ورک، فکر دوجال شی، په دی پیچ در پیچ کوڅه کښی.

۲۰۱۷/۳۱/۷